



## درس فراج فقه استاد حاج سید مجتبیٰ نورمفیدی

تاریخ: ۳۱ فروردین ۱۳۹۲

موضوع کلی: مسئله سی و دوم

موضوع جزئی: فروع مسئله - فرع دوم (وصی یا ولی در استیجار) مصادف با: ۹ جمادی الثانی ۱۴۳۴

جلسه: ۹۶

سال سوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته:

بحث در مسئله سی و دوم بود عرض شد در این مسئله به طور کلی چند فرع وجود دارد البته همه این فروع در متن تحریر نیامده اما آنچه به موضوع این مسئله مربوط می‌شود حدوداً چهار فرع است. فرع اول در مورد وکیل بود به اینکه اگر کسی وکیل در عملی شد و نظر او با نظر موکل تقلیداً یا اجتهاداً متفاوت بود ملاک نظر وکیل است یا موکل؛ اینجا چهار قول ذکر کردیم و معلوم شد که حق آن است که وکیل باید بر طبق نظر موکل عمل کند کما اختاره السید و الامام (ره).

### فرع دوم: وصی یا ولی در استیجار

فرع دوم در مورد وصی یا ولی است یعنی اگر کسی وصی برای استیجار غیر شده مثلاً شخصی وصیت کرده که این وصی کسی را به عنوان اجیر انتخاب کند و اعمالی که از او قضاء شده بجا آورد اینجا در نفس استیجار به عنوان عمل وصی یا ولی ملاک نظر چه کسی است؟ کاری به مورد اجاره مثلاً نماز نداریم بلکه بحث در نفس استیجار به عنوان عمل وصی می‌باشد. و وصی یک واسطه است برای اینکه کسی را اجیر کند تا نمازهای قضای او را بجا بیاورد اینجا آیا وصی به نظرش خود عمل کند یا به نظر میت؟

مثلاً در مورد نمازهای قضا یک بحثی وجود دارد که آیا در انجام قضاء نماز ترتیب لازم است به این ترتیب که اول باید نماز صبح و ظهر و عصر و بعد مغرب و عشاء را اتیان کند یا ترتیب لازم نیست؟ بعضی قائل هستند به لزوم رعایت ترتیب در نمازهای قضاء و بعضی هم ترتیب را لازم نمی‌دانند و می‌گویند مهم این است که این عمل که وقت انجام آن گذشته، اتیان شود و در خارج وقت دیگر فرقی نمی‌کند در چه زمانی و به چه ترتیبی انجام شود. فرضاً دو نفر هستند که یکی تقلیداً یا اجتهاداً ترتیب را لازم نمی‌داند و دیگری ترتیب را لازم می‌داند حال وصی خودش معتقد به لزوم ترتیب نیست ولی میت ترتیب را لازم می‌داند الآن این وصی در استیجار و اجیر کردن شخصی برای نماز آیا طبق نظر خودش عمل کند یعنی می‌تواند کسی را که رعایت ترتیب را لازم نمی‌داند اجیر نماید برای نماز یا نه باید طبق نظر میت عمل کند و چون میت ترتیب را لازم می‌داند حتماً باید کسی را اجیر کند که او هم ترتیب را رعایت می‌کند اینجا این بحث در نفس استیجار است (کاری به کیفیت نماز و کیفیت اتیان به آن ندارد) آیا باید به نظر میت عمل کند یا به نظر خودش عمل کند؟

## اقوال:

**قول اول:** در مورد این فرع عرض کردیم امام(ره) این فرع را در مسئله سی و دوم تحریر مطرح نکرده لکن در تعلیقه‌ای که ذیل مسئله پنجاه و چهارم عروة نوشته‌اند نظر خود را بیان کرده و می‌فرمایند: وصی باید طبق نظر خودش عمل کند چون استیجار عمل اوست و ربطی به موصی ندارد؛ آنچه که به موصی مربوط می‌شود نماز قضاست باید نماز قضا را اجیر طبق نظر موصی بخواند اما نفس اجیر کردن و استیجار عمل موصی است و ربطی به میت ندارد و لذا باید طبق نظر خودش عمل کند. به غیر از امام(ره) مرحوم آقای بروجردی و مرحوم آقای سید ابوالحسن اصفهانی هم معتقدند وصی به نظر خودش عمل کند.<sup>۱</sup>

**قول دوم:** مرحوم سید همان گونه که در مسئله پنجاه و چهارم گفته شد معتقد است که ملاک نظر میت است.

**قول سوم:** مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری هم می‌فرماید: «الاحوط فی الوصی أن یراعی احوط القولین» احوط در وصی آن است احوط القولین را رعایت کند.

مرحوم آقای گلپایگانی هم تفصیل داده‌اند بین دو صورت اگر وصیت به استیجار عمل مخصوص و معین کرده تخلف از آن جایز نیست و باید طبق نظر موصی عمل کند ولی اگر وصیت به عملی کرده اما خصوصیتی برای آن ذکر نکرده در این صورت وصی به تکلیف خودش عمل کند.<sup>۲</sup>

بهر حال اینجا مجموعاً سه قول بیان شده یکی اینکه وصی به نظر خودش عمل کند و دوم اینکه ملاک نظر میت است و سوم اینکه رعایت احوط القولین بشود.

## حق در مسئله:

به نظر می‌رسد در بین این اقوال حق با مرحوم سید است یعنی ملاک نظر میت است؛ امام(ره) در بیان استدلال بر اینکه باید به نظر وصی عمل شود فرمودند این عمل یعنی استیجار عمل وصی است و ربطی به موصی ندارد و چون استیجار عمل وصی است دلیلی ندارد به نظر میت عمل کند؛ این استدلال امام(ره) است ولی به نظر می‌رسد این استدلال قابل قبول نیست چون اگر استیجار عمل وصی است این در واقع به نیابت از موصی است اگر فرض کنیم آن شخص می‌خواست کسی را اجیر کند و خودش در قید حیات بود و مثلاً می‌خواست برای یک جزئی از اجزاء حج نایب بگیرد این استیجار را به دیگری واگذار نمی‌کرد و خودش اقدام به این کار می‌کرد اما الآن استیجار را به دیگری واگذار کرده یعنی وصی در خود عمل استیجار هم نیابت از موصی دارد پس فی الواقع استیجار بالذات عمل وصی محسوب نمی‌شود. اگرچه الآن مباشرة عمل اوست ولی فی الواقع سبب این عمل و سبب اینکه او دیگری را برای کاری اجیر می‌کند وصیت موصی است پس در واقع اگر این عمل، عمل وصی است به نیابت از موصی است. اگر ما این عمل را به وصی مستند کردیم نیابتاً عن المیت دیگر نمی‌توانیم بگوییم وصی باید طبق نظر خودش عمل کند چون استیجار عمل او محسوب می‌شود.

در هر صورت به نظر می‌رسد این فرمایش امام قابل قبول نیست چون آنچه که در مورد وکیل گفته شد در مورد وصی هم جاری است فرقی از این جهت بین وصی و وکیل نیست. تنها فرقی که بین وصایت و وکالت است این است که وصایت

۱. عروة، طبع ۶ جلدی، ج ۱، ص ۴۵-۴۶.

۲. همان، ص ۴۶.

استنابه در تصرف بعد الممات است و وکالت استنابه در تصرف در حال حیات است. در هر دو استنابه وجود دارد اگر در مورد وکیل شما می‌فرمایید ملاک نظر موکل است چون وکالت دارد از موکل، در وصایت هم همین گونه است و وصی هم نایب از موصی است و عمل او یعنی استیجار به نیابت از میت و موصی انجام می‌شود منتها فرق وکالت و وصایت در موت و حیات است. هر دو نیابت دارند و هر دو به عنوان اینکه دارند کار دیگری را انجام می‌دهند، متصدی تفریغ ذمه شده‌اند. در اصل خود آن موکل و موصی باید ذمه خود را تفریغ کنند ولی تصدی تفریغ ذمه را به این دو نفر واگذار کرده‌اند پس اینکه امام می‌فرماید وصی باید طبق نظر خودش عمل کند چون استیجار عمل اوست این قابل قبول نیست.

سؤال: آیا اختیارات وصی و وکیل یکسان است؟

استاد: هر دو تابع محدوده‌ی تعیین شده از طرف موصی و موکل هستند.

در هر صورت به نظر می‌رسد وصی یا ولی در نفس استیجار به نظر میت باید عمل کنند نه به نظر خودشان چنانچه مرحوم سید فرمودند.

### فرع سوم: اجیر

فرع سوم در مورد خود اجیر است؛ در فرع سوم بحث در این است که اگر وصی یا ولی کسی را به عنوان اجیر برای مثلاً نمازهای قضای میت به استخدام گرفت حال این شخص در انجام نماز و روزه قضا آیا باید به نظر خودش عمل کند یا به نظر وصی و ولی عمل کند یا به نظر میت؟ اینجا سه طرف دارد.

امام (ره) می‌فرماید ملاک نظر اجیر است یعنی اجیر باید بر طبق نظر خودش اجتهاداً یا تقلیداً عمل کند.

مرحوم سید اگرچه خصوص این فرع را در عبارت عروة مطرح نکردند ولی شاید بتوان گفت در این مسئله هم ایشان نظر میت را ملاک می‌داند.

مرحوم آقای نائینی فرموده اجیر باید رعایت تقلیدین را بکند یعنی هم تقلید خودش و هم تقلید میت.<sup>۱</sup>

مرحوم آقای حائری می‌فرماید احوط آن است که اجیر احوط القولین را رعایت کند.<sup>۲</sup>

مرحوم آقای بروجردی می‌فرماید ملاک نظر اجیر است چون این فعل اجیر محسوب می‌شود البته احتیاط مستحبی می‌کنند که احوط آن است که رعایت تقلیدین را بنماید یعنی آنچه را که مرحوم آقای نائینی لازم دانسته ایشان به نحو احتیاط مستحبی ذکر کرده است.<sup>۳</sup>

مرحوم آقای گلپایگانی هم تفصیل داده که اجیر اگر برای عمل مخصوصی اجیر شده باید طبق نظر میت عمل کند و تخلف جایز نیست لکن اگر برای عملی بدون خصوصیت اجیر شده باشد باید به تکلیف خودش عمل کند همان گونه که اشاره کردیم همین تفصیل را ایشان در مورد وصی هم داده و این تفصیل به عینه هم در مورد وصی و هم در مورد اجیر ذکر شده است.<sup>۴</sup>

۱. همان، ج ۱، ص ۴۵.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان.

مجموع آراء فقها در این مسئله را اگر بخواهیم دسته بندی کنیم مجموعاً شاید بتوان گفت که پنج نظریه و قول پیرامون این مسئله وجود دارد:

**قول اول:** ملاک نظر میت است. (قول مرحوم سید)

**قول دوم:** اجیر به نظر خودش عمل کند. (قول امام<sup>(ره)</sup>)

**قول سوم:** رعایت تقلیدین بشود یعنی تقلید خودش و تقلید میت. (قول آقای بروجردی)

**قول چهارم:** احوط القولین رعایت شود. (قول آقای حائری)

**قول پنجم:** تفسیر در مسئله می باشد؛ (قول مرحوم آقای گلپایگانی)

در این فرع دیگر کسی قائل نشده که نظر وصی یا ولی عمل شود بالاخره ملاک یا نظر میت است یا نظر اجیر یا رعایت هر دو ولی کسی قائل نشده به اینکه در این مسئله می توان به نظر وصی یا ولی عمل کرد. آنچه که در مورد این فرع می توان گفت آن است که ملاک نظر اجیر است کما ذهب الیه المشهور من المعاصرین.

اینجا ممکن است که این سؤال مطرح شود؛ در مورد وکالت و وصایت ما گفتیم که ملاک نظر میت است (موکل و موصی) چون عمل، عمل موصی و موکل است و وصی و ولی به نیابت از موصی و موکل این کار را انجام می دهند و تنها تفاوت وصی و ولی در زمان استنابه است و گرنه هر دو در اصل استنابه مشترک هستند. چرا در مورد اجیر این مطلب گفته نمی شود؟ اگر بگویید در مورد اجیر ملاک نظر اجیر است اولین سؤالی که به ذهن می رسد این است که چه فرقی است بین اجیر با وصی و وکیل؟ اجیر هم عمل میت را انجام می دهد چرا باید متفاوت باشد؟

اگر اینجا به این فرق توجه نشود یعنی بگوییم که اجیر هم مثل وکیل وصی است اینجا هم عمل اجیر عمل میت و مستأجر محسوب می شود پس باید طبق نظر او عمل کند؛ چند احتمال اینجا هست در اینجا یک مسئله وجود دارد و ما باید به نوعی به احتمالاتی که در این مسئله ثبوتاً وجود دارد توجه کنیم و بعد مسئله را به حسب مقام اثبات بررسی نماییم.

**بحث جلسه آینده:** راجع به این مسئله تأمل داشته باشید که چرا در فرع سوم می گوییم اجیر باید به نظر خودش عمل کند؟ چه فرقی بین اجیر و بین وصی و وکیل است؟ انشاء الله در جلسه آینده به آن خواهیم پرداخت.

«والحمد لله رب العالمین»